

بررسی آیپک و تأثیر آن بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

دکتر رضا سیمبر*
کیانوش نظری**

چکیده

ساختار سیاسی غیرمتمرکز و توزیع شده آمریکا سبب شده است که جریان‌ها و تشکل‌های بسیاری بتوانند روند پیچیده تصمیم‌گیری سیاسی در این کشور را تحت تأثیر قرار دهند. با آنکه یهودیان تنها حدود سه درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند اما توانسته‌اند به تأثیرگذارترین اقلیت قومی در ساختار قدرت آمریکا تبدیل شوند. یهودیان آمریکا مجموعه چشمگیری از سازمان‌های مختلف را برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا به وجود آورده‌اند که در این میان نقش کمیته امور عمومی آمریکا اسرائیل (آیپک) به عنوان قدرتمندترین سازمان یهودی آمریکا بسیار شاخص می‌باشد، سازمانی که مسئول برنامه‌ریزی و هماهنگ کردن فعالیت

* استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان
(rezasimbar@hotmail.com)

** دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان.
تاریخ دریافت: 1392/3/20 تاریخ پذیرش: 1392/11/15
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره یازدهم، بهار 1393، صص 35-9.

اکثر سازمان‌های یهودی آمریکا را بر عهده دارد و نقش اساسی را در هماهنگی سیاست‌های آمریکا با منافع صهیونیسم ایفا می‌کند. در عصر حاضر این سازمان مهمترین ابزار صهیونیست‌ها در آمریکا برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های قدرت اول دنیای کنونی در مسائل مربوط به اسرائیل و پُرمناقشه‌ترین منطقه جهان، خاورمیانه، می‌باشد. پژوهش حاضر درصدد است، ضمن ارائه‌ی نمایی اجمالی از دلایل قدرت یهودیان در آمریکا، آپیک و تأثیر آن را بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا مورد بحث و بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: آپیک، آمریکا، اسرائیل، لابی یهود، سیاست خارجی.

مقدمه

یکی از عوامل کلیدی در رابطه ویژه امریکا و اسرائیل که آن را از روابط عادی متمایز می‌سازد، روابط سازنده سیاسی و قدرتمندانه‌ای است که بین دو کشور و رای پیوندهای دولتی وجود دارد. در کانون این روابط جامعه یهودیان سازمان یافته امریکا قرار دارد که اعتبارات لازم و سایر کمک‌های مالی را برای اسرائیل فراهم می‌آورد و کنگره و سنا که از سوی گروه فشار اسرائیل هدایت می‌شوند، بدان شکل قانونی می‌دهند (شون بام، 1389، مقدمه مترجم). گروه فشار اسرائیل به عنوان مخففی ساده برای ائتلاف آزاد از اشخاص و سازمان‌هایی به کار برده می‌شود که برای شکل دادن به سیاست خارجی امریکا در راستای طرفداری از اسرائیل فعالیت می‌کنند. قسمت اعظم این گروه فشار را سازمانهای یهودی تشکیل می‌دهند که معتقدند سیاست خارجی امریکا باید در راستای منافع اسرائیل پیش رود (میرشایمر و والت، 1387: 143-146). آبیگ مهمترین و سرشناس‌ترین سازمان یهودی است که طی سالیان متمادی از طریق تماسها و ارتباطات سازنده با اعضاء کنگره، سنا و سایر کانونها و مراکز قدرت در امریکا و به کار بستن شیوه‌ها و ترفندهای مختلف به شکل‌گیری ابتکارات قانونی به نفع اسرائیل اقدام کرده است (شون بام، 1389: 9 مقدمه مترجم). در بیان قدرت آبیگ ذکر این نکته حائز اهمیت است که در نظرسنجی انجام شده توسط مجله فورچون¹ در سال 1997 از اعضای کنگره و کادر اداری آنها در مورد فهرست قدرتمندترین گروه‌های فشار در واشنگتن، آبیگ پس از انجمن بازنشستگان امریکا² در رتبه دوم قرار گرفت (میرشایمر و والت، 1387: 149).

1. Fortune

2. American Association of Retired Persons

این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که آپیک چگونه سیاست خارجی آمریکا را در مسائل مربوط به اسرائیل و منطقه خاورمیانه تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ در پاسخ به این سوال فرضیه پژوهش نیز این‌گونه مطرح می‌شود که آپیک با استفاده از ابزارهای سیاسی خاص خود نظیر حمایت‌های مالی از نامزدهای انتخاباتی توانسته است به مراکز قدرت در آمریکا نفوذ کرده و به یکی از تأثیرگذارترین گروه‌های فشار در ساختار سیاسی و سیاست خارجی این کشور تبدیل شود.

1. چهارچوب نظری

یکی از مباحث پراهمیت در حوزه سیاسی، نقش گروه‌های فشار در تعیین خط مشی سیاست خارجی می‌باشد. در نظام‌هایی که قدرت تصمیم‌گیری و اختیارات سیاست‌گذاری بین نهادها و کارگزاری‌های متعدد و متنوع تقسیم شده است، بازیگران بیشتری می‌توانند در فرایند سیاست خارجی حضور و مشارکت فعال داشته باشند (دهقانی فیروزآبادی، 1389: 81). در این میان نقش گروه‌های موسوم به گروه‌های فشار قابل توجه است. براساس تعریف فرهنگ علوم سیاسی آمریکا، گروه فشار، گروهی است که اعضای آن دارای ایده‌ها و اهداف مشترکی بوده و برنامه‌هایی را به صورت فعالانه برای اعمال نفوذ بر مسئولان و سیاست‌های دولت انجام می‌دهند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های گروه‌های فشار لابی‌کردن است که لستر میل برات¹ آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «ارتباطی است که توسط شخصی به غیر از شهروندان معمولی به نیابت از کسی معطوف به یک تصمیم ساز شکل می‌گیرد، به این امید که بر تصمیم او تأثیر بگذارد» (طباطبایی، 1385: 83-33). پس از جنگ سرد و با تضعیف بیشتر دولت نسبت به جامعه، بر اهمیت گروه‌های فشار افزوده شده است. اعضای این گروه‌ها با داشتن تخصص خاص در زمینه نحوه برخورد با موضوعات مورد نظر، از وضعیت قوانین و مقررات مربوطه اطلاعات دقیقی دارند. آنها با قانون‌گذاران و مسئولان ذی‌ربط ارتباط شخصی دارند و از اطلاعات دقیقه به دقیقه و ارتباطات سریع برخوردارند (موسوی و کدخدایی و

1. Lester Milbrath

شفیعی، 1390: 38-7). شیوه توزیع قدرت میان گروه‌های فشار یکسان نیست و هر گروهی که بتواند بهتر و با مهارت بیشتری از ابزار بازی سیاسی گروه‌های فشار استفاده کند، می‌تواند بر روند سیاست‌گذاری در حوزه مربوط به خود، تأثیر و نفوذ بیشتری داشته باشد. گروه‌های فشار معمولاً خواسته‌های خود را از راه‌های مختلفی همچون برقراری ارتباط نزدیک با نمایندگان مجلس، تلاش برای اعمال نفوذ در قوه مجریه و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی دنبال می‌کنند. به طور کلی می‌توان گفت گروه‌های فشار در دو سطح رسمی (حکومت) و غیررسمی (اجتماعی) برای منافع و هدفهای خود تبلیغ می‌کنند. موفقیت یا عدم موفقیت گروه‌های فشار بستگی زیادی به میزان دسترسی آنها به منابع قدرت (به‌ویژه منابع مالی) و نیز لایه‌های قدرت (سطوح تأثیرگذاری) دارد (آهویی، 1390: 126-101). در این میان نظرات متفاوتی درباره میزان تأثیرگذاری گروه‌های فشار یهودی و در رأس آنها آپیک در جهت‌دهی به سیاست خارجی آمریکا وجود دارد.

بسیاری از تحلیلگران سیاسی از جمله پل فیندلی¹، جیمز پتراس²، جان میرشایمر³ و استیون والت⁴ بر این باورند که نقش این گروه‌ها بسیار پررنگ است، برخی دیگر نیز با این نظرات مخالفند که مشهورترین آنها، نوام چامسکی⁵ است. بسیاری از تحقیقات انجام شده در این مورد نشان‌دهنده این است که سیاست‌گذاری خارجی آمریکا در خاورمیانه بر اساس خواسته‌های لابی طرفدار رژیم اسرائیل به خصوص آپیک است.

2. پیشینه تحقیق

اهمیت تأثیر گروه‌های فشار یهودی و در رأس آنها آپیک بر سیاست خارجی آمریکا بر کسی پوشیده نیست، با این وجود، آثار قابل توجهی در این زمینه به زبان فارسی تألیف نشده است. بسیاری از آثار موجود نیز ترجمه‌ای از مطالعاتی است که پژوهشگران خارجی در این حوزه انجام داده‌اند.

در میان آثار ترجمه شده به زبان فارسی می‌توان از کتاب «گروه فشار اسرائیل

1. Paul Findly

2. James Petras

3. John Mearsheimer

4. Stephen Walt

5. Noam Chomsky

و سیاست خارجی آمریکا» نام برد که جان میرشایمر و استیون والت آن را به رشته-ی تحریر درآورده‌اند، که توسط رضا کامشاد ترجمه شده است. نویسندگان در این کتاب دلایل حمایت همه جانبه آمریکا از اسرائیل را به چالش کشیده‌اند و لابی یهود و آپیک را جهت‌دهنده اصلی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه معرفی می‌کنند. اثر قابل توجه دیگر، «سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، نقش لابی‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ» به قلم جنیس جی تری¹ است که توسط ارسال قربانی شیخ‌نشین و رضا سیمبر به زبان فارسی برگردانده شده است. این کتاب ضمن معرفی روندهایی که در آن سیاست خارجی آمریکا اتخاذ می‌شود، به نقش آفرینی لابی‌ها و گروه‌های فشار مستقر در واشنگتن، به خصوص گروه فشار طرفدار صهیونیست و آپیک در شکل‌دهی به این سیاست پرداخته است. از مقاله‌های شاخص نیز می‌توان از مقاله‌ی سیدعلی طباطبایی با عنوان «خاستگاه‌های قدرت یهودیان در آمریکا» نام برد که در چشم‌اندازی کلی چهار خاستگاه قدرت را برای یهودیان مشخص کرده است که شامل ویژگی‌های جامعه یهودیان (انسجام و سازماندهی، سطح نخبگی)، حضور قدرتمند در قوای مقننه و مجریه آمریکا، در دست داشتن رسانه‌ها به عنوان بازوی قدرتمند اقناع افکار عمومی و گروه فشار یهودیان آمریکا می‌باشد. «آپیک، ابزار صهیونیسم بین‌الملل در آمریکا» به قلم ابراهیم رسولی مقاله دیگری در این زمینه است که با بررسی دیدگاه‌ها، مواضع و اقدامات آپیک علیه جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه می‌رسد که کمیته امور عمومی آمریکا-اسرائیل (آپیک) قدرتمندترین ابزار صهیونیست‌ها در آمریکا است که تأثیر و نفوذ فراوانی بر سیاست داخلی و خارجی این کشور در قبال مسائل گوناگون دارد. پل فیندلی در کتاب «آنها بی‌پرده سخن می‌گویند: ملت و نهادها در مقابل لابی اسرائیل»، با توضیح میزان بسیار بالای سرسپردگی نمایندگان کنگره به رژیم اسرائیل و نماینده قدرتمند این رژیم در کنگره، آپیک، این سازمان را مهم‌ترین و قدرتمندترین عامل در تعیین سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا معرفی می‌کند. «نفوذ اسرائیل در آمریکا» به قلم جیمز پتراس کتاب مهم دیگری در زمینه قدرت لابی یهود است که در آن نویسنده ضمن تشریح مواضع خصمانه آمریکا در قبال

1. Janice J. Terry

کشورهای خاورمیانه از جمله جمهوری اسلامی ایران و عراق، این سیاست‌ها را در راستای منافع صهیونیسم دانسته و از دخالت‌های آپیک در تعیین خط‌مشی این سیاست‌ها پرده برداشته است. اشعیا ال. کین¹، بنیان‌گذار سازمان آپیک نیز در کتاب «خط دفاع اسرائیل: دوستان اسرائیل در واشنگتن» ضمن تشریح اصول آپیک، به بررسی راهکارهایی پرداخته است که آپیک با توجه به آنها می‌تواند بر میزان تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا بیافزاید. با توجه به مطالب فوق، تأکید ما در این نوشتار بر روی ابزارهای سیاسی مورد استفاده آپیک نظیر حمایت‌های مالی گسترده از نامزدهای همسو با نظرات آنان در انتخابات آمریکا برای تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر سیاست خاورمیانه‌ای این کشور می‌باشد.

3. نفوذ یهودیان در آمریکا

دولتمردان آمریکا از همان ابتدای تاسیس این کشور مدافع آشکار حاکمیت ثروتمندان و سرمایه‌داران بودند تا جایی که الکساندر همیلتون² وزیر خزانه‌داری دولت جرج واشنگتن³، اولین رئیس جمهور آمریکا، اعتقاد داشت که قدرت دولت باید به قدرت صاحبان پول متکی باشد زیرا آنان مطمئن‌ترین و روشن‌بین‌ترین حامیان یک حکومت هستند (زرشناس، 1381: 36). حاکمیت سرمایه‌داری بر آمریکا باعث شد که یهودیان با برنامه‌های دقیق و با استفاده از ثروت و سرمایه خود، آرام آرام به مراکز قدرت و تصمیم‌گیری آمریکا نفوذ کرده و با تأسیس سازمان‌های متعدد یهودی دامنه‌ی این نفوذ را گسترش دهند. لی او برین⁴ با توجه به کثرت سازمانهای یهودی آنها را سازمان یافته‌ترین گروه در میان اقلیت‌های آمریکا می‌داند. وی کنیسه‌ها، مراکز مخصوص جوانان، جوامع و آژانس‌های ارتباطی، موسسات جمع‌آوری‌کننده کمک‌های مالی، گروه‌های فرهنگی و آموزشی و مجامع و لژهای برادری را نمونه‌هایی از این سازمان‌ها می‌داند (اوبرین، 1375: 16). پس از ایجاد رژیم اسرائیل در سال 1948 رؤیای دیرینه یهودیان برای داشتن حاکمیت [نامشروع] بر سرزمین فلسطین به واقعیت تبدیل شد اما علی‌رغم جایگاه مقدس اسرائیل برای

1. Isaiah L.kenen

2. Alexander Hamilton

3. George Washington

4. Lee O'Brien

یهودیان، امریکا به اورشلیم جدید و مرکز ثروت و قدرت یهودیان تبدیل شده است. روزنامه هآرتس¹ در این مورد می‌نویسد: «اهمیت گسترش قدرت یهودیان امریکا در قرن بیستم نه تنها کمتر از تأسیس اسرائیل نیست، بلکه بیشتر است. یهودیان به وضعیت بی‌سابقه‌ای از قدرت دست یافته‌اند که می‌توانند به سیاست‌های قدرت شماره یک دنیا شکل دهند» (کالینز، 1387: 16-17). امروزه ابعاد سیطره یهودیان بر امریکا بسیار عمیق است، آنها با در دست داشتن اقتصاد امریکا و در اختیار گرفتن رسانه‌های گروهی این کشور به قدرتمندترین گروه فشار در امریکا تبدیل شده‌اند. اهمیت قدرت اقتصادی و سلطه بر مطبوعات در سخنان خاخام یهودی «راشارون» به خوبی مشخص است. به عقیده وی: «اگر طلا نخستین ابزار کار ما در سیطره و حکومت بر جهان است، بی‌تردید مطبوعات و روزنامه نگاری دومین ابزار کار ما خواهد بود» (کاویانی، 1387: 45). با اینکه یهودیان درصد ناچیزی (سه درصد) از جمعیت امریکا را تشکیل می‌دهند در حال حاضر در حدود بیست و پنج درصد ثروتمندان امریکا را یهودیان تشکیل می‌دهند. بزرگترین شرکت‌های تجاری، مؤسسات و سازمان‌های اقتصادی و بانکها در انحصار یهودیان است که نشان دهنده قدرت اقتصادی عظیم این گروه می‌باشد. یهودیان از سهام داران اصلی شرکت‌های بزرگ در امریکا هستند و کنترل بورس اوراق بهادار امریکا را نیز در دست دارند (کریمیان، 1386: 634-635). چیزی که بیش از هر چیز، تأثیر یهودیان را بر افکار عمومی جامعه امریکا وسعت داده است، سلطه یهودیان بر رسانه‌های جمعی، همچون تلویزیون و آژانس‌های خبری، به‌ویژه مطبوعات است. در جامعه نسبتاً آزادی‌مانند امریکا پوشش خبری می‌تواند به شکل مناسبی به عنوان یک معیار عمل کند تا به ارزیابی تصور رایج و متداول راجع به یک موضوع مشخص پردازد (تری، 1388: 25). «تلویزیون در حال حاضر چشم و گوش آدم‌هاست». این رساترین تعریفی است که از تلویزیون در دایرةالمعارف امریکا ثبت شده است. مشهورترین شبکه‌های تلویزیونی جهان سه شبکه امریکایی² N.B.C

1. Haaretz

2. National Broadcasting Co

C.B.S¹ و A.B.C² می باشند که صدها میلیون نفر در سراسر جهان ایده های خود را از این شبکه ها می گیرند، سه شبکه ای که در اختیار یهودیان است (ابوغنیمه، 1373: 131-126).

مهم ترین و پرتیراژترین مطبوعات امریکا مانند نیویورک تایمز³، واشنگتن پست⁴، دیلی نیوز⁵، نیویورک پست⁶ و هفته نامه هایی از قبیل نیوزویک⁷ و تایم⁸ در کنترل یهودیان قرار دارد (کریمیان، 1386: 638). نفوذ یهودیان طرفدار اسرائیل در مراکز استراتژیک قدرت در امریکا نظیر بخش های اقتصادی، احزاب سیاسی، کنگره و قوه مجریه آن چنان گسترده و پردامنه است که امریکا با آن که یک قدرت هژمون و جهانی است در مواردی وادار شده است تا نسبت به اقدامات خصمانه اسرائیل در مورد خود نیز چشم پوشی کند. جالب ترین مورد، حمله عمدی جنگنده های اسرائیل در سال 1967 به ناو مخابراتی لیبرتی⁹ امریکا در آب های بین المللی بود که در نتیجه آن صدها نفر از افسران نیروی دریایی امریکا کشته و مجروح شدند، اما در آن زمان لابی یهودی امریکا، کنگره امریکا و دیگر افراد صاحب نفوذ در دولت جانسون وی را وادار کردند تا بدون نشان دادن هیچ واکنشی به یک عذرخواهی رسمی از سوی اسرائیل بسنده کند» (فویدل، 1382: 134-111).

4. کمیته امور عمومی امریکا-اسرائیل (آپیک)¹⁰

پس از جنگ سال 1956 اسرائیل و اعراب و فرمان آیزنهاور¹¹ رئیس جمهور امریکا به نیروهای اسرائیلی مبنی بر عقب نشینی از صحرای سینا، یهودیان به این نتیجه رسیدند که صرف برخورداری از تلاش های لابی یهودی کافی نیست و ارتباط با کاخ سفید و وزارت امور خارجه و کنگره و مسوولان امریکایی موجب تضمین حمایت های مستمر امریکا به آینده اسرائیل نخواهد بود، بلکه نیازمند تربیت

1. Colombia Broadcasting System
2. American Broadcasting Co
3. The New York Times
4. The Washington Post
5. Daily News
6. The New York Post
7. News Week
8. Time
9. USS Liberty
10. American Israel Public Affair Committee (AIPAC)
11. Eisenhower

مهره‌های موثری هستند که بتوانند با به دست آوردن مشاغل حساس و کلیدی در درون دولت امریکا و کنگره نفوذ کرده و اهداف یهودیان را برآورده سازند (کریمیان، 1386: 676). تأسیس آپیک به عنوان مهم‌ترین گروه فشار رسمی اسرائیل در امریکا که صدها انجمن و سازمان یهودی را در سراسر امریکا زیر پوشش نظارت و حمایت خود قرار داده است با همین نگاه و احساس نیاز صورت پذیرفت. ریشه‌های پیدایش آپیک به سال 1951 و تأسیس شورای امریکایی صهیونیستی¹ تحت رهبری اشعیا ال. کنن، روزنامه نگار آژانس یهود و سخنگوی هیات اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل برمی‌گردد. هدف اصلی شورای امریکایی صهیونیستی به وجود آمدن لابی طرفدار اسرائیل بود. در سال 1954 پس از مطرح شدن اتهام فعالیت غیرقانونی به این شورا، نام آن به کمیته امور عمومی صهیونیست امریکا تغییر کرد و در سال 1959 کلمه اسرائیل جایگزین کلمه صهیونیست شد. کنگره یهودیان امریکا، کمیته یهودیان امریکا و سازمان ضد افترا به عنوان سازمان‌های بزرگ یهودی آن زمان به علت قوانین موجود مالیاتی در امریکا قادر به لابی کردن از جانب اسرائیل نبودند ولی در عوض آپیک را مورد حمایت گسترده قرار داده و نقش قابل توجهی در توسعه آپیک ایفا کردند (Tivnan, 1987: 38-39). برخلاف دیگر سازمان‌های یهودی، کمک‌هایی که به آپیک داده می‌شود معاف از مالیات نیستند. در نتیجه آپیک از قواعد و محدودیت‌هایی که سازمان خدمات داخلی برای گروه‌های معاف از مالیات وضع کرده است، پیروی نمی‌کند، گروه‌هایی که فعالیت و لابی کردن آنها در کنگره و قوه مجریه ممنوع است. علاوه بر این برخلاف دیگر سازمان‌هایی که در ازای لابی‌گری برای دولت‌های خارجی از آنها کمک مالی دریافت می‌کنند آپیک هیچ‌گونه کمک مالی از اسرائیل دریافت نمی‌کند بلکه بودجه خود را از طریق حق عضویت به دست می‌آورد (Goldberg, 1990: 15-17). کنن بنیانگذار آپیک در کتاب خود، «خط دفاع اسرائیل: دوستان اسرائیل در واشنگتن» عنوان می‌کند که آپیک برای موفقیت به عنوان یک لابی تأثیرگذار باید بتواند دوستی خود را با هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه توسعه داده و از حمایت و پشتیبانی این دو حزب اصلی امریکا اطمینان حاصل کند. آپیک همچنین باید با

لابی‌گری قدرتمندانه خود در کنگره رییس جمهور را به عقب‌نشینی از اظهارات و سیاست‌های ضد اسرائیلی ترغیب کند (Kenen, 1981: 108). از نظر ریچارد کورتیس¹ آپیک سعی می‌کند سیاست‌های حمایتی از اسرائیل را در کاخ سفید و کنگره به پیش برد که هدف اصلی آن لابی‌کردن در کنگره برای افزایش کمک‌های مالی و تجهیزات نظامی است (Curtiss, 1990: 6). مهم‌ترین موضوعات پیش‌روی آپیک بسیج حمایت‌های امریکا به اسرائیل و ایجاد گرایش‌های اسرائیلی محور در واشنگتن است.

به گفته هوارد کر²، یکی از مدیران ارشد آپیک: «مسائلی که زمانی در گوش‌ها نجوا می‌شد، امروزه با صدای بلند فریاد زده می‌شود. امروزه با مقبولیت اجتماعی می‌توان گفت که ما یهودیان - و تنها ما یهودیان - تأثیر اجتناب‌ناپذیر بر سیاست ایالات متحده امریکا داریم» (سبحانی و جنسن و رزمن، 1384: 116-97).

آپیک توسط یک مدیر اجرایی بسیار قدرتمند که مسئولیت اجرای برنامه‌های سازمان را دارد، اداره می‌گردد. وی وظیفه دارد به شکل روزانه کلیه عملیات‌ها و فعالیت‌های پرسنل را کنترل و بررسی می‌کند. از آنجا که آپیک درگیر موضوعات سیاست‌گذارانه و نیازمند پاسخ سریع به تحولات می‌باشد، پرسنل حرفه‌ای آن دارای قدرت تصمیم‌گیری بالایی هستند. مدیر اجرایی، مدیریت مسائل روزانه و شرایط بحرانی را بر عهده دارد و زیر نظر کمیته اجرایی آپیک و نظارت جامعه یهودیان امریکا فعالیت می‌کند. اعضای گروه فشار آپیک توسط تیم تحقیقاتی آپیک حمایت می‌شوند، این تیم با بررسی کلیه نشریات و مدارک در پنج زبان تحلیل‌های خود را در اختیار لابی‌گرها قرار می‌دهد. این تیم درباره همه موضوعات مرتبط با اسرائیل از کمک‌های امریکا گرفته تا روابط استراتژیک امریکا و اسرائیل اطلاعات لازم را جمع‌آوری می‌کنند. تأثیرگذاری قابل توجه آپیک بر روابط امریکا و اسرائیل آن چنان است که اسحاق رابین³ نخست‌وزیر سابق اسرائیل، آپیک را نوک پیکان روابط ویژه واشنگتن و تل‌آویو می‌نامد (طباطبایی، 1382: 48-11). این تأثیرگذاری

1. Richard Curtiss
3. Yitzhak Rabin

2. Howard Kohr

بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا آنچنان زیاد است که ملک حسین¹ پادشاه سابق اردن در اظهار نظری جالب، آپیک را مسئول خودداری آمریکا در به کارگیری نفوذ خود در روند [به اصطلاح] صلح خاورمیانه معرفی کرد. وی از تأثیر بیش از حد لابی اسرائیل بر نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا انتقاد کرده و معتقد است نامزدها مجبورند رضایت آپیک را جلب کنند (Findley, 2003: 31).

5. منابع قدرت آپیک در آمریکا

کانون توجه اسرائیل از زمان به وجودش آمدنش مسئله امنیت بوده است و آپیک نیز در تلاش‌های خود برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های آمریکا در پی همین مساله بوده است. آپیک قادر است این تصور را ایجاد کند که اگر کسی با مواضع آن مخالفت کند، علیه دولت اسرائیل به موضع‌گیری پرداخته است. این امر باعث ترس و هراس یهودیان از انتقاد از آپیک و در نتیجه فشرده ماندن صفوف آن گردیده است (ایزدی، 1382: 181-200). الگوی دولت کورپوراتیستی و به کارگیری صحیح قواعد حاکم بر آن یکی از علل موفقیت و تبدیل آپیک به مؤثرترین نهاد یهودی در آمریکا است. در الگوی کورپوراتیسم فرض بر این است که حکومت‌ها نمی‌توانند علایق گروه‌های مختلف را نادیده بگیرند، بلکه ماهیت دولت، مستلزم توجه به منافع این گروه‌ها به منظور حفظ ثبات است. پذیرش تلاش افراد یا سازمان‌ها برای تثبیت یا تغییر قوانین و تصریح این موضوع در قوانین آمریکا یکی از منابع قدرت آپیک به حساب می‌آید (رسولی، 1378: 39-62). در یک دموکراسی، وقتی گروهی نسبتاً کوچک به مسئله خاصی متعهد باشد ولی بقیه مردم عمدتاً نسبت به آن بی‌تفاوت باشند، همان گروه کوچک می‌تواند نفوذ قابل توجهی اعمال کند. نفوذ نامتناسب گروه‌های فشار کوچک ولی متمرکز هنگامی که گروه‌های مخالف، ضعیف یا فاقد وجود خارجی باشند حتی از این هم بیشتر است زیرا سیاست‌مداران مجبورند با یک رشته از منافع همکاری کنند و مردم تنها یک طرفه قضیه را می‌شنوند. گروه فشار اسرائیل از نبود رقیب بسیار بهره می‌برد، به عقیده یکی از سناتورهای مجلس سنا «احساسات مخالفی وجود ندارد... اگر در مخالفت با فشار

1. King Hussein (Hussein bin Talal)

آپیک رأی‌دهی، هیچ‌کس به تو آفرین نمی‌گوید». امتیاز عظیم آپیک این است که در واقع مخالفی ندارد (میرشایمر و والت، 1387: 174-182).

طی پنج دهه گذشته آپیک آن چنان قدرت خود را توسعه داده است که با برنامه‌های سیاسی خود حتی توانسته است دو حزب عمده امریکا (دموکرات و جمهوری خواه) را به چالش بکشد، آن‌چنان که امروزه از آن به عنوان سومین حزب اصلی امریکا از آن یاد می‌شود (آزادی، 1382: 219-251). هیچ لابی دیگری ثروت، توان رسانه‌ای و قدرت قانونگذاری و تصمیم‌سازی آپیک را ندارد. قدرت بی‌مانند بسیج نخبگان آپیک را نمی‌توان نادیده گرفت. نشست سالانه آپیک که در ماه آوریل هر سال برگزار می‌شود همه رهبران اصلی کنگره اعضای اصلی کابینه و بیش از نیمی از اعضای کنگره را به خود جلب می‌کند که نشان دهنده حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل است. هیچ لابی دیگری نمی‌تواند چنین حضور گسترده‌ای از سیاسیون نخبه از هر دو حزب اصلی امریکا را تضمین کند (Petras, 2006: 170-172). این کنفرانس سالانه، بزرگترین تجمع طرفداران اسرائیل است که هزاران نفر از پنجاه ایالت امریکا در آن شرکت کرده و آینده بهتری را برای اسرائیل ترسیم می‌کنند. روزنامه نیویورک تایمز تحلیل خود را در مورد آپیک اینگونه بیان می‌کند: «آپیک مهمترین سازمان اثر گذار در رابطه امریکا و اسرائیل می‌باشد» (www.AIPAC.org). اهمیت این گردهمایی برای مسئولان اسرائیل با توجه به این جمله بنیامین نتانیاهو¹ نخست وزیر اسرائیل آشکار می‌شود که در کنفرانس آپیک در سال 1997 گفت: «با این که هفت هزار مایل از قدس دور هستیم، اما اینجا احساس می‌کنم که از آنجا خارج نشده‌ام» (کریمیان، 1386: 682).

6. ابزار آپیک برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی امریکا

حمایت‌های مالی از نامزدهای انتخابات کنگره و ریاست جمهوری از جمله ابزارهای آپیک برای تأثیرگذاری بر دستگاه سیاست‌گذاری امریکا است.

با توجه به این که بخش قابل توجهی از شهروندان امریکایی در انتخابات این کشور مشارکت ندارند و تنها بخش کوچکی از افراد بسیار با انگیزه و بسیج شده در

1. Benjamin Netanyahu

روندهای سیاسی به ویژه سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند، بنابراین سیاستمداران نیز به افراد یا گروه‌هایی که به آنها پول می‌دهند و به مشهور شدن آنها کمک می‌کنند توجه ویژه‌ای دارند. کسانی که اصطلاحاً به «خیرین سیاسی» معروف هستند. از میان گروه‌های قومی موجود در امریکا تنها یهودیان هستند که فعالانه و با جدیت منافع خود را در انتخابات دنبال می‌کنند و هیچ گروه دیگری در این موضوع با آنان برابری نمی‌کند (تری، 1386: 20-17). یهودیان قویترین بازیگران عملیات سرمایه‌گذاری برای حمایت انتخاباتی امریکا به شمار می‌آیند، به گونه‌ای که کمک و حمایت آنان نسبت به هر یک از کاندیداهای شاخص بسیار قاطع و مؤثر بوده است، لذا افرادی که در مقابل یهودیان سر خم می‌کنند و از آنان اطاعت می‌نمایند، همان‌هایی هستند که کمک‌های مالی هنگفتی از یهودیان دریافت می‌کنند (دیوک، 1390: 126-127). موفقیت آپیک تا حدود زیادی مربوط به توانایی نفوذش در تأمین هزینه‌های انتخاباتی است. در انتخابات امریکا پول حیاتی است و برنده شدن در آن به طور فزاینده‌ای گران تمام می‌شود. (میرشایمر و والت، 1387: 192) آپیک رسماً کاندیدایی را معرفی نمی‌کند بلکه برای رأی‌دهندگان، اطلاعات لازم را جهت شناخت کاندیداها ارائه می‌دهد. کمیته‌های کنش سیاسی¹ به نیابت از جامعه یهودیان به کاندیداهای انتخابات پول می‌پردازد. آپیک لیست پرداخت² به کاندیداها را در اختیار این کمیته‌ها قرار می‌دهد. براساس قانون مبارزات انتخاباتی فدرال مربوط به سال 1974 و اصلاحیه آن در سال 1976 گروه‌های فشار اجازه یافتند این کمیته‌ها را برای جمع‌آوری منابع مالی و پرداخت آن به این گروه‌ها تأسیس کنند (طباطبایی، 1382: 48-11).

7. انتخابات کنگره

آپیک با هر نامزدی که برای ورود به کنگره فعال باشد ملاقات می‌کند. این نامزدها به طور کامل توجه می‌شوند به طوری که پیچیدگی مسئله اسرائیل و خاورمیانه به آنها تفهیم شود، آپیک حتی از هر نامزدی می‌خواهد که موضع‌نامه‌ای در مورد نظراتش راجع به روابط امریکا و اسرائیل بنویسد. به این ترتیب تکلیف آنها در

1. Political Action Committies (PAC's)

2. Money List

مورد موضوع روشن است (میرشایمر و والت، 1387: 192). گروه‌های فشار در امریکا اطلاعات هر عضو کنگره، کارکنان کنگره و حتی نمایندگان مجالس قانونگذاری ایالتی را مورد توجه قرار می‌دهند. این گروه‌ها تجزیه و تحلیل دقیقی از سوابق رأی‌گیری و بیانیه‌های مختلف بازیگران کلیدی از جمله رؤسای مجلس سنا و کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان را انجام می‌دهند (Newhouse, 2009: 73-88).

آپیک نیز از این قاعده مستثنی نیست، اعضای آن با توجه به مکالمات و سخنرانی‌های انجام شده در کنگره، متون این سخنرانی‌ها را برای آپیک ارسال می‌کنند. رهبران آپیک پس از مشاهده این متون در صورت مغایرت آن با اهداف آپیک، مکرراً سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان را فراخوانده و از آنان می‌خواهند در اظهارات خود تجدیدنظر کنند. آپیک آنچنان در کار خود موفق است که تبدیل به الگویی مناسب برای دیگر گروه‌های فشار شده است (Organski, 1990: 19). اعضای آپیک به بررسی و کنترل نامزدهای انتخاباتی می‌پردازند و آنها را بر حسب نوع دیدگاه و عملکردی که نسبت به اسرائیل دارند، به «بد» و «خوب» تقسیم می‌کنند. سپس برای کسانی که در گروه «بد» قرار می‌گیرند برنامه‌ریزی می‌کنند تا در مبارزات انتخاباتی شکست بخورد (تری، 1388: 104). به ندرت پیش می‌آید که در کنگره امریکا از اسرائیل انتقاد شود. پل فیندلی در کتاب «آنها بی‌پرده سخن می‌گویند»، می‌نویسد: «نمایندگانی که در رابطه با سیاستهای اتخاذ شده در مورد کشورهای دیگر شبیه به عقابهای بلندپروازی هستند در موارد مربوط به اسرائیل پرنده‌ها بال شکسته‌ای می‌باشند (Findley, 2003: 67). نفوذ لابی یهود و در رأس آن آپیک در کنگره‌ی امریکا آنچنان زیاد است که بسیاری از سیاستمداران امریکایی به آن اذعان می‌کنند. جرج بال¹، معاون سابق وزارت امور خارجه امریکا، در این مورد می‌گوید: «نمایندگان کنگره در مورد سیاست خاورمیانه‌ای امریکا همانند یک دسته حیوانات دست‌آموز عمل می‌کنند و از میان حلقه‌ای که گروه‌های فشار طرفدار اسرائیل درست کرده‌اند، بالا و پایین می‌پرند (فیندلی، 1378: 13). آپیک نماد اصلی قدرت یهودیان در کنگره امریکا است این قدرت به اندازه است که آپیک را «شاه

1. George Ball

کنگره¹ و نمایندگان کنگره نیز به طعنه و برای تشبیه فشارهای این لابی، آن را «ماهیچه یهود»² نامیده‌اند (طباطبایی، 1382: 48-11).

هماهنگی شدید بین آپیک و دولت اسرائیل و نفوذ آنها بر کنگره آن چنان است که دون برگاس³، سفیر سابق اسرائیل در سودان، آن را این گونه شرح می‌دهد: «ما در وزارت امور خارجه انتظار داشتیم، اگر روزی نخست وزیر اسرائیل اعلام کند که زمین مسطح است، کنگره امریکا ظرف 24 ساعت پیام تبریکی جهت این کشف برای وی بفرستد» (Findley, 2003: 27). اکثر نمایندگان سنا و کنگره تلاش می‌کنند از دستورات آپیک اطاعت کنند، به عقیده آنها آپیک آن چنان قدرتمند است که در مقابل آنها موفقیت‌های پیروزی و یا شکست در انتخابات را قرار می‌دهد (Findley, 2003: 25). اگرچه باید به این نکته توجه داشت که تلاش آپیک تنها دلیل به چالش کشیدن و نهایتاً باخت نامزدها نیست اما قدرت تأثیرگذاری آن بر چشم انداز انتخاباتی یک سیاستمدار مثل روز روشن است. جیمی کارتر با تأیید این نکته می‌گوید: برای هر عضو کنگره که بخواهد دوباره انتخاب شود، پذیرش هر نوع موضعی که مخالف با سیاست دولت اسرائیل تعبیر شود در حکم خودکشی سیاسی است. چارلز پرسی⁴ یکی از مشهورترین سیاستمدارانی است که بهای مخالف با آپیک را پرداخت. پرسی با وجود سابقه معمولاً از طرفداری از اسرائیل، به دلیل اکراه در امضای «نامه 76» که در اعتراض به تهدید فورد رییس جمهور امریکا مبنی بر بازنگری سیاست خارجی امریکا بود، مورد خشم آپیک (ترتیب دهنده آن نامه) قرار گرفت و در دور بعدی انتخابات شکست خورد (میرشایمر و والت، 1387: 196-198).

8. انتخابات ریاست جمهوری

یهودیان امریکا در هنگام انتخابات ریاست جمهوری که از آن به عنوان بورس سیاسی یاد می‌شود، حالت فوق‌العاده‌ای به خود گرفته و فعالیت آنها به اوج می‌رسد. تلاشهای لابی یهودی بر چگونگی نفوذ در کاخ سفید به عنوان قرارگاه

1. The king of the Hill
2. Jew muscle

3. Don Bergus
4. Charles Persi

اصلی تصمیم‌گیری در امریکا متمرکز است (بابازاده، 1383: 214-183). در حالی که نرخ متوسط حضور در انتخابات امریکا در حدود شصت درصد است، بیش از نود درصد یهودیان در این انتخابات شرکت می‌کنند. از آن جایی که بیش از هشتاد درصد یهودیان امریکا در چند ایالت پرجمعیت این کشور زندگی می‌کنند، این نحوه توزیع جمعیت می‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری امریکا بسیار مهم باشد. در سیستم رأی‌گیری الکترال گاهی اوقات چند هزار رأی می‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری تعیین‌کننده باشد. به کارگیری آرای یهودیان توسط سازمان‌های تحت پوشش آپیک، یکی از مهم‌ترین منابع انسانی این سازمان است که می‌تواند آن را در جهت اهداف سازمانی در اختیار هر نامزد قرار دهد (رسولی، 1378: 62-39). مثال بارز در این مورد انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال 2000 می‌باشد که در آن جرج بوش¹ تنها با اختلاف پانصد و سی و هفت رأی در ایالت فلوریدا هر بیست و هفت کالج انتخاباتی این ایالت را به دست آورد و به ریاست جمهوری امریکا برگزیده شد (احمدی، 1383: 556-523). نامزدهای ریاست جمهوری امریکا بر اهمیت آرای یهودیان واقف هستند. لیلیانتال² مورخ امریکایی متخصص در امور صهیونیسم می‌گوید: «در انتخابات سال 1960 هر دو نامزد ریاست جمهوری، نیکسون³ و کندی⁴، چنان با دقت درخواست‌های صهیونیست‌ها را مورد توجه قرار می‌دادند که گاهی این احساس پیش می‌آید که اینان خواستار به دست آوردن مقام ریاست جمهوری اسرائیل هستند تا امریکا (رضوی، 1379: 52). کندی به هنگام نخستین ملاقاتش با بن‌گوریون⁵، نخست وزیر اسرائیل، در نیویورک در سال 1961 به او گفت: «می‌دانم که به لطف آرای یهودیان برگزیده شده‌ام، من انتخاب خویش را به آنها مدیونم، به من بگویید که برای مردم یهودی چه کاری باید انجام دهم» (گارودی، 1385: 217). پول ابزاری است که حمایت می‌آورد و در مقابل تعیین می‌کند که در ازای این حمایت، چه بهایی باید متقبل شد. آپیک در جریان مبارزات انتخاباتی سال 1991، با جمع‌آوری بیش از شصت میلیون دلار کمک مالی از

1. George W. Bush
2. Lilienthal
3. Nixon
4. Kennedy
5. Ben-Gurion

یهودیان امریکا به یاری بیل کلینتون¹ شتافته و موجبات پیروزی او را بر بوش فراهم آورد (کریمیان، 1386: 662). دوران ریاست جمهوری کلینتون یکی از بهترین دوره‌های قابل تصور برای آپیک و اسرائیل بود. یهودیان حدود بیست و پنج درصد از مناصب مختلف مربوط به کابینه کلینتون را به خود اختصاص دادند. وجود بسیاری از مدیران برجسته آپیک در مناصب مهم و کلیدی امریکا در دوره کلینتون وجود نوعی الیگارشسی پرنفوذ را به نمایش می‌گذارد و شائبه تبدیل تدریجی دولت را به یک «دولت اقلیت قومی» تقویت می‌کند (بابازاده، 1383: 214-183). حمایت‌های اقتصادی و مالی امریکا از اسرائیل در دوره کلینتون به بهترین وجه دنبال شد به گونه‌ای که روزنامه یدیعت آحارانوت² در ستایش کلینتون نوشت: «همانا نام کلینتون در تاریخ اسرائیل به عنوان اولین رئیس جمهوری امریکایی ثبت خواهد شد که فرزندی مطیع برای پدرش، اسرائیل، است. فرزندی که اصلاً نمی‌داند چگونه به پدرش نه بگوید» (ستاری، 1382: 180-135).

9. آپیک در عمل

با توجه به اینکه بعضی از کشورهای دشمن اسرائیل روابط نزدیکی با امریکا ندارند، آپیک و سایر گروه‌های فشار یهودی در هدایت سیاست خارجی امریکا علیه این کشورها، توانمندی ویژه‌ای یافته‌اند. مسلم است که اسرائیل احتمالاً بدون وجود لابی هم به روابط خود با امریکا می‌دهد، اما با وجود گروه‌های فشار یهودی برای رسیدن به سیاست خاورمیانه‌ای متعادل دشواری‌های بسیاری روبه‌رو خواهد شد (آهویی، 1390: 126-101). بیشتر اقدامات کنگره در رابطه با سیاست‌های خاورمیانه‌ای یا به وسیله‌ای آپیک و یا با موافقت آن اتخاذ می‌شود. نمونه‌هایی از اعمال نفوذ آپیک در سیاست خارجی امریکا را می‌توان در مورد دو کشور خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران و عراق مشاهده کرد.

9-1. جمهوری اسلامی ایران

به عقیده آپیک جمهوری اسلامی ایران تهدیدی جدی برای برتری اسرائیل در

1. Bill Clinton

2. Yedioth Harvnt

خاورمیانه محسوب می‌شود. آپیک با تمرکز بر مسائلی مانند مسئله هسته‌ای و تحریم ج.ا.ایران سعی کرده تا یک اجماع داخلی در امریکا و یک اجماع بین‌المللی در سطح جهان را علیه ج.ا.ایران به وجود آورده تا بدین وسیله حاشیه امنیتی اسرائیل را گسترش دهد. آپیک با استفاده از رویکرد تهاجمی سیاست خارجی امریکا، تلاش زیادی می‌کند که ج.ا.ایران را به عنوان یک خاطی، ناقص حقوق بشر و تهدیدی برای اسرائیل، امریکا و جهان معرفی کرده و این طرز تفکر را در دولت امریکا و سیاست خارجی این کشور نهادینه کند (رسولی، 1378: 62-39). آپیک نقش تعیین‌کننده‌ای در مطرح‌شدن ایده تحریم و تبدیل آن به استراتژی تحریم ج.ا.ایران دارد. این لابی با استفاده از نفوذ خود در دستگاه‌های تصمیم‌گیری و اجرایی امریکا، مراکز فکری و تحقیقاتی توانست به شکل بسیار تعیین‌کننده‌ای این ایده را تبدیل به استراتژی کند و آن را به تصویب برساند. آپیک در آوریل 1995 با انتشار جزوه‌ای به نام «تحریم‌های جامع امریکا علیه ایران، برنامه‌ای برای عمل» اصول و اهداف تحریم ج.ا.ایران را ارائه کرد. در واقع آنچه بیل کلینتون در سال 1995 با عنوان دستور اجرایی 12959 امضا کرد آن چیزی بود که توسط آپیک نوشته شد و آلفونسو داماتو آن را به کنگره ارائه داد (طباطبایی، 1385: 83-33). سیاست خاورمیانه‌ای دولت کلینتون به شدت توسط مقاماتی شکل گرفت که با اسرائیل یا سازمان‌های برجسته حامی اسرائیل پیوندهای نزدیکی داشتند. از سرشناس‌ترین آن‌ها می‌توان از مارتین ایندیک¹، معاون سابق تحقیقات آپیک، نام برد که استراتژی مهار دوگانه توسط وی و دوستانش به کاخ سفید ارائه شد (میرشایمر و والت، 1387: 207). البته باید در نظر داشت که ج.ا.ایران تبدیل به ابزاری برای بقای آپیک گردید چرا که بعد از انتخاب اسحاق رابین به نخست وزیر اسرائیل در سال 1992 و پایان سلطه پانزده ساله سیاسی حزب تندروی لیکود، رابین به مدیران آپیک اعلام کرد که مصمم است سیاست خارجی را به طور مستقیم از طریق کاخ سفید دنبال کند. رهبران آپیک که نمی‌خواستند با تغییر سیاست‌ها در اسرائیل جایگاه قدرت خود را در امریکا از دست بدهند طرح هدف‌گیری و تمرکز بر ج.ا.ایران را ارائه دادند و ایده تحریم ج.ا.ایران در دستور کار آنها قرار گرفت (طباطبایی، 1385

1. Martin Indyk

83-33). شاید بهترین نشانه نفوذ آپیک بر سیاست امریکا نسبت به ج.ا.ایران در مارس 2007 آشکار شد، زمانی که کنگره می‌کوشید قیدی را به لایحه بودجه پتتاگون ضمیمه کرده و بوش را ملزم کند که پیش از حمله به ج.ا.ایران موافقت کنگره را جلب کند. بعد از گرفتار آمدن امریکا در عراق، این قید در کنگره طرفداران زیادی داشت و به نظر می‌رسید مورد تصویب قرار گیرد. این امر با اختیارات کنگره طبق قانون اساسی نیز سازگاری داشت، لیکن آپیک سخت با آن مخالف بود، زیرا این لایحه گزینه نظامی علیه ج.ا.ایران را که در میان رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل طرفداران بسیاری داشت را عملاً از میان برمی‌داشت. آپیک در کریدورهای کنگره دست‌به‌کار شد و با کمک تعدادی از نمایندگان هوادار اسرائیل آن قید از لایحه برداشته شد (میرشایمر و والت، 1387: 365). هر چند حمله اسرائیل به ج.ا.ایران منجر به فاجعه‌ای برای منطقه خاورمیانه و اسرائیل و نیروهای امریکایی مستقر در این منطقه خواهد داشت لیکن آپیک سیاست جنگی اسرائیل را در اولویت تلاش خود برای جلب حمایت کنگره و دولت امریکا قرار داده است.

2-9. عراق

آغاز حمله به عراق و پیامدهای پس از اشغال این کشور نشان‌دهنده میزان نفوذ آپیک در واشنگتن است. جیمز پتراس در کتاب «نفوذ اسرائیل در امریکا» از یهودیان و به خصوص سازمان آپیک به عنوان بانیان پنهان جنگ امریکا با عراق نام می‌برد. وی ادامه می‌دهد که اسرائیل تنها ذی‌نفع اصلی جنگ با عراق بود که در هدایت امریکا برای ورود به روند حذف سخت‌ترین مخالف عرب خود در خاورمیانه توفیق حاصل کرد (Petras, 2006: 19-28). هاوارد کر مدیر اجرایی آپیک فعالیت بی‌سر و صدای آپیک برای تصویب مصوبه استفاده از زور در عراق توسط کنگره را یکی از موفقیت‌های آپیک در سال 2002 ذکر می‌کند. آپیک برای ادامه حضور امریکا در عراق نیز حامی نیرومندی بود. در پاییز سال 2003 هنگامی که دولت بوش در راضی کردن دموکرات‌های سنا برای تخصیص بودجه اضافی برای جنگ عراق به مشکل برخورد کرده بود، سناتورهای جمهوری خواه از آپیک خواستند همکاران

دموکراتشان را به حمایت از بودجه وادارد. نمایندگان آپیک با چند نفر از سناتورهای دموکرات صحبت کردند و سرانجام بودجه تصویب شد (میرشایمر و والت، 1387: 291). با افزایش شمار کشته‌ها و مجروحان ارتش امریکا در عراق و صرف هزینه‌های چند صد میلیارد دلاری و تضعیف هرچه بیشتر اقتصاد امریکا و در حالی که موج مخالفت گسترده مردم امریکا در رابطه با جنگ عراق به وجود آمده بود، تنها آپیک امریکا را به ادامه جنگ عراق تشویق می‌کرد. (Petras, 2006: 24)

نتیجه‌گیری

این پژوهش با توجه به نفوذ گسترده یهودیان در امریکا به بررسی آپیک و تأثیر آن بر سیاست خاورمیانه‌ای امریکا اختصاص یافته است. با توجه به ساختار باز سیاسی امریکا گروه‌های فشار می‌توانند به نحوی مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های کلان این کشور تأثیر بگذارند. قدرت نفوذ و تأثیرگذاری بسیار زیاد گروه‌های فشار یهودی و در رأس آنها آپیک در جهت‌دهی به سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه بر سیاستمداران و تحلیلگران سیاسی پوشیده نیست. آپیک سازمانی است که از همان ابتدای تأسیس، مأموریت تقویت روابط بین امریکا و اسرائیل را بر عهده داشت. راهکارهای این سازمان برای تحقق اهداف خود شامل برقراری ارتباط نزدیک با نمایندگان کنگره (مجلس نمایندگان و سنا) و تلاش برای مجاب کردن آنان به حمایت از خواسته‌های این سازمان در عرصه قانون‌گذاری و همچنین تلاش برای اعمال نفوذ در قوه مجریه از راه ورود افراد مورد نظر سازمان در پست‌های کلیدی است. با توجه به قدرت عظیم اقتصادی و تبلیغاتی آپیک اکثر نامزدهای انتخاباتی امریکا (انتخابات کنگره و ریاست جمهوری) سعی می‌کنند نظر مثبت این سازمان را به خود جلب کرده و از حمایت‌های مالی و تبلیغاتی آن بهره‌مند شوند. آپیک با ارائه این حمایت‌های گسترده از نامزدهایی که نظراتی هماهنگ و همسو با این سازمان دارند در پی هدایت دستگاه سیاست‌گذاری خارجی امریکا برای حمایت همه جانبه از اسرائیل است. نفوذ آپیک به عنوان سخنگوی سیاست اسرائیل در امریکا به گونه‌ای است که در بسیاری از موارد نمایندگان کنگره و حتی رؤسای جمهور امریکا مجبور شده‌اند که علی‌رغم میل باطنی‌شان سیاست‌هایشان را با

اسرائیل هماهنگ کنند. بسیاری از مبانی اساسی سیاست امریکا در خاورمیانه بر پایه تعهد این کشور به اسرائیل بنا شده است و امریکا به اسرائیل به عنوان یک سرمایه راهبردی نگاه می‌کند و همواره در تلاش است تا اسرائیل را به قدرتمندترین کشور خاورمیانه تبدیل کند. استراتژی مهار دوگانه جمهوری اسلامی ایران و عراق که از جانب آپیک به مقامات امریکایی دیکته شد، در راستای هدف تقویت اسرائیل صورت گرفت. هدفی که با اشغال عراق و تحریم اقتصادی گسترده ج.ا.ایران دنبال می‌شود، هرچند که این اقدامات تبعاتی نیز برای امریکا و مردم این کشور داشته است. صدها میلیون امریکایی به این نکته واقف هستند که چگونه سیاست خارجی کشورشان در مورد منطقه خاورمیانه توسط اقلیتی قومی که دارای گروه فشاری فوق العاده قدرتمند می‌باشد، اداره می‌شود.

کتابنامه

- آزادی، نبی (1382)، *امریکا و اسرائیل: روابط استراتژیک*، کتاب امریکا 3، ویژه روابط امریکا و اسرائیل، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- آهوپی، مهدی (1390)، «نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده، از اسطوره تا واقعیت»، فصلنامه مطالعات جهان، شماره 1، صص 101-126.
- ابوغنیمه، زیاد (1373)، «سیطره صهیونیسم بر شبکه‌های تلویزیونی»، مترجم: فتاح احمدی، فصلنامه میراث جاویدان، ش 5، صص 126-131.
- احمدی، کورش (1383)، «انتخابات ریاست امریکا و آثار آن بر سیاست خارجی این کشور»، فصلنامه سیاست خارجی، ش 71، صص 523-556.
- اوبرین، لی (1376)، *سازمان‌های یهودیان امریکا و اسرائیل: بنای برتس، لابی‌ها، کنگره یهودیان*، مترجم: علی ناصری، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- ایزدی، پیروز (1382)، *جایگاه لابی یهود در سیاست خارجی ایالات متحده*، کتاب امریکا 3، ویژه روابط امریکا و اسرائیل، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- بابازاده، رحیم (1383)، «نقش آپیک در فرایند سیاست‌گذاری خارجی امریکا»، مجله مصباح، شماره 55، صص 183-214.
- تری، جنیس. جی (1388)، *سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه، نقش لابی‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ*، مترجم: ارسلان قربانی شیخ‌نشین و رضا سیمبر، تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (1389)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- دیوک، دیوید (1390)، *هلوکاست و نفوذ یهودیان در امریکا*، مترجم: محمدرضا میرزا جان، تهران: موسسه فرهنگی - هنری قدر ولایت.
- رسولی، ابراهیم (1378)، «آپیک ابزار صهیونیسم بین‌الملل در امریکا»، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره 10، صص 39-62.
- رضوی، مهدی (1379)، *نیرنگ سازی صهیونیسم، خطوط کلی توطئه انزوای جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- زرشناس، شهریار (1381)، *نیمه پنهان امریکا*، تهران: کتاب صبح.
- سبحانی، نگین و جنسن، تباری و مولی، رزمن (1384)، «یک ارتباط ویژه: تأثیر گروه‌های فشار بر سیاست خارجی امریکا در برابر اسرائیل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره 23 و 24،

صص 97-116.

ستاری، سجاد (1382)، تحلیل ادواری تعاملات استراتژیک ایالات متحده امریکا و اسرائیل از آغاز تاکنون، کتاب امریکا 3، ویژه روابط امریکا و اسرائیل، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

شون بام، دیوید (1389)، ایالات متحده و اسرائیل، ترجمه محمود ملکی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم.

طباطبایی، سید علی (1382)، خاستگاه‌های قدرت یهودیان امریکا، کتاب امریکا 3، ویژه روابط امریکا و اسرائیل، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

_____ (1385)، «لابی یهودیان کارگزار تحریم ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال 20، شماره 1، صص 83-33.

فیندلی، پل (1378)، فریب‌های عمدی، حقایقی در مورد امریکا و اسرائیل، مترجم: محمد حسین آهویی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

قویدل، مهدی (1382)، بررسی منافع راهبردی ایالات متحده در حمایت نامشروط از اسرائیل، کتاب امریکا 3، ویژه روابط امریکا و اسرائیل، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

کالینز پایپر، مایکل (1387)، قدرت پنهان در امریکا، مترجم: علیرضا عبادتی، تهران: روایت فتح. کویانی، علیرضا (1387)، «رسانه، پیام، مخاطب و انحصار - بازنمایی روند سلطه برابر رسانه‌های جهان»، فصلنامه راهبرد، شماره 4، صص 78-45.

کریمیان، احمد (1386)، یهود و صهیونیسم: تحلیل عناصر قومی، تاریخی و دینی یک فاجعه، قم: موسسه بوستان کتاب.

گارودی، روزه (1385)، تاریخ یک ارتداد، اسطوره‌های بنیان‌گذار سیاست اسرائیل، مترجم: مجید شریف، تهران: خدمات فرهنگی رسا، چاپ چهارم.

موسوی، سید محمدعلی و کدخدایی، الهام و شفیعی سروستانی، فاطمه (1390)، «مدل‌سازی روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا»، فصلنامه روابط خارجی، سال 3، شماره 2، صص 38-7.

میرشایمر، جان. جی و والت، استیون. ام (1388)، گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی امریکا، مترجم: رضا کامشاد، تهران: فرزانه روز.

Findley, P. (1989), *They Dare to Speak Out: People and Institutions Confront Israel's Lobby*. Chicago, IL: Lawrence Hill Books.

Curtiss, R.H. (1990), *Stealth PACs: How Israel's American Lobby Seeks to Control U.S. Middle East Policy*. 2nd ed. Washington, D.C: American Educational Trust.

Goldberg, D.H. (1990), *Foreign Policy and Ethnic Interest Groups: American and Canadian Jews Lobby for Israel*. New York, New York: Greenwood Press.

Kenen, I.L. (1981), *Israel's Defense Line: Her Friends in Washington*. Buffalo, New York: Prometheus Books.

Newhouse, J. (2009), *Diplomacy, Inc.-The Influence of Lobbies on US Foreign Policy. Foreign Affairs*, 73-88.

Organski, A.F.K. (1990), *The \$36 Billion Bargain: Strategy and Politics in U.S. Assistance to Israel*. New York, NY: Columbia UP.

Petras, J. (2006), *The Power of Israel in the United States*. Clarity Press, Inc.

Tivnan, E. (1987), *The Lobby: Jewish Political Power and American Foreign Policy*. New York, New York: Simon and Schuster.

www.AIPAC.org

